

سحر از دیدگاه قرآن و علم *

□ حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی رضایی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی سنة العالمیه و مدیر
گروه علوم قرآن - مجتمع آموزش عالی امام خمینی سنة

چکیده

در این نوشتار، نخست تاریخچه سحر در جوامع بشری و کتب مقدس و تفاسیر مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس تعریفهای لغوی و اصطلاحی سحر بیان می‌شود و اقسام و اسباب سحر تبیین می‌گردد. آنگاه سحر از منظر علوم جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد روشن می‌شود که سحر از جمله علوم فراروان‌شناسی است که در عصر حاضر مراکز علمی متعددی در دنیا به آن می‌پردازند.

آنگاه تفاوت‌های سحر با معجزه و کرامت بررسی می‌شود. سپس دیدگاه قرآن در مورد سحر بیان می‌شود. کلمه سحر و مشتقات آن شصت بار در قرآن آمده است. مخالفان به پیامبران تهمت سحر می‌زدند و حضرت موسی علیه السلام با ساحران مقابله کرد، قرآن جریان هاروت و ماروت و سحرآموزی آنها را در آیه ۱۰۲ بقره بیان می‌کند. در ادامه، راجع به حقیقت سحر سه دیدگاه مفسران و محدثان بیان می‌شود و معلوم می‌گردد که سحر آثار روانی دارد و تأثیرات واقعی مثل تغییر ماهیت اشیا ندارد. و در پایان راههای دفع سحر و احکام شرعی سحر بیان می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، سحر، علم، معجزه، کرامت، فراروان‌شناسی.

مقدمه

سحر از مقولاتی است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده و از آن سوء استفاده می‌شده است. گاهی به پیامبران الهی، تهمت سحر می‌زدند. از این رو، در ادیان الهی نیز مورد توجه قرار گرفته و احکام و دیدگاههایی را به وجود آورده و به آن اهمیت ویژه‌ای بخشیده است.

ماهیت سحر و دیدگاه اسلام درباره آن

تاریخچه

سحر از زمانهای قدیم در میان مردم رواج داشته است، ولی تاریخ دقیقی برای آن در دست نیست. پس نمی‌توان گفت که چه کسی برای نخستین بار جادوگری را به وجود آورد. برخی از نویسندگان برآن‌اند که سحر تا پنج هزار سال قبل، که تاریخ مدون بشر است و حتی در مراحل قبل از آن نیز که به نام «ماقبل تاریخ» خوانده می‌شود وجود داشته است.

این مطلب از رموز و تصاویر و اساطیری که در باستان‌شناسی به دست آمده ثابت می‌شود و شواهد قرآنی نیز دارد که هر پیامبر را خدا می‌فرستاد به او تهمت سحر می‌زدند (نک: الاشقر، عالم السحر والشعوذة ۱۴۱۰: ۴-۱۳). (ذاریات: ۵۲).

شهر بابل (شهری در عراق) از مراکزی بوده که سحر در آنجا رونق گرفته است و کلدانیان نبطی و سریانی در آنجا به سحر روی آوردند، همان طور که قرآن نیز اشاره کرده است (بقره: ۱۰۲). همچنین در مصر سحر وجود داشته، همان‌گونه که در مقابل موسی علیه السلام به کار بردند (ابن خلدون، مقدمه: ۹۲۷).

شواهدی نیز وجود دارد که برخی پادشاهان قدیم ایران (زرکش کاویان) اطلاعاتی از سحر داشته‌اند (الاشقر، همان: ۲۱).

در هندوستان نیز توجهی به سحر داشته‌اند و در یکی از کتابهای مقدس آنها به نام «الفیدا» بخشی مربوط به سحر وجود دارد (همان: ۳۰).

در یونان نیز سحر وجود داشته و حتی برخی فلاسفه یونان راجع به آن سخن گفته‌اند. افلاطون از سحر تفسیری طبیعی و عقلی می‌کرد (همان: ۴ - ۳۲).

عالم یهود و مسیحیت نیز با سحر مقابل بوده‌اند. حضرت سلیمان مورد تهمت سحر قرار گرفت و قرآن از او دفاع کرد (بقره: ۱۰۲). حضرت موسی عليه السلام از همان ابتدای برخورد با فرعونیان در مقابل ساحران قرار گرفت و قرآن داستانهای آن را به صورت مفصل بیان کرده است (طه: ۶۶؛ اعراف: ۱۱۶ و ...).

در تورات عمل سحر را ناروا و ناپسند دانسته است. در تورات می‌خوانیم:
با صاحبان اجنه توجه نکنید و جادوگران را متفحص نشوید تا (مبادا) از آنها ناپاک شوید و خداوند خدای شما منم (کتاب مقدس، سفر لاویان: ۱۹ / ۳۱).

اما یهودیان برخلاف تعلیم کتاب مقدس به سحر روی آوردند و حتی آن را در اروپا به ویژه آلمان، فرانسه و ایتالیا منتشر کردند. حتی در سال ۱۵۳۳م مدرسه قبلاطیه را برای تعلیم سحر پایه‌گذاری کردند که در سال ۱۵۷۲ بسته شد (الاشقر، همان: ۲۱۳ - ۴۲).

اعراب قبل از اسلام نیز سحر را می‌شناختند و برخی در قصه‌های قبل از اسلام از ساحران یاد شده است (همان: ۴۴).

در اسلام با پدیده سحر برخورد شدیدی شد و حتی ساحران را محکوم به قتل کردند. این بحث در قسمت احکام خواهد آمد. لذا این پدیده شوم تا حدود زیادی از جامعه مسلمانان برچیده شد.

سحر چیست؟

الف) سحر در لغت به چند معنا به کار رفته است:

۱. خدعه و نیرنگ را سحر گویند (مثل شعبده بازی و ...).
۲. هر چه عوامل نامرئی و مرموز دارد (کل ما لطف ودق).
۳. جلب شیطانها از راههای خاص و کمک گرفتن از آنها.
۴. تغییر ماهیت اشیا و شکل اشخاص به صورت خیالی.

تذکر: از نظر لغوی سحر شامل شعبده و تردستی نیز می‌شود (قاموس اللغة؛

مفردات: ماده سحر).

ب) سحر در اصطلاح:

نوعی اعمال خارق العاده که آثاری از خود در وجود انسانها به جای می‌گذارد، و گاهی یک نوع چشم‌بندی و تردستی است و گاه تنها جنبه روانی و خیالی دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ۱۳۷۴: ۱/۳۷۷).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه سحر را این‌گونه تعریف کرده است:

سحر بر حسب متعارف، امر خارق العاده‌ای را گویند که از راه تصرف در مشاعر ادراکی انسان، تحقق پیدا می‌کند. بنابراین، با قطع نظر از ادراکات انسانی، تحقق نفسی و واقعی نخواهد داشت، مانند انواع چشم‌بندی و تسخیر اشخاص، ایجاد حب و بغض و جدایی انداختن میان زن و شوهر، عقد الرجال که عموماً به تصرف در ادراک مربوط می‌باشند (طباطبایی، اعجاز قرآن: ۱۱۶ - ۱۱۷).

دکتر ابراهیم کمال ادهم پس از آنکه می‌گوید تعریف سحر مشکل است چون

بر علوم و فنون کثیری اطلاق می‌شود، سحر را این‌گونه تعریف می‌کند:

سحر علمی است که ساحر انجام می‌دهد تا به امور باطل صورت حق ببوشاند و این کار را به وسیله حیل‌های مختلف انجام می‌دهد (کمال ادهم، السحر والسحرة من منظار القرآن والسنة ۱۴۱۱: ۲۷).

از مجموع معنای لغوی و اصطلاحی به دست می‌آید که در سحر چند عنصر اساسی وجود دارد:

اول: امری خارق العاده و غیر طبیعی است.

دوم: سحر اثراتی در خارج به جای می‌گذارد.

سوم: ساحران در کار خود از نیرنگ، پنهان‌کاری، تصرف در خیال و شیاطین استفاده می‌کنند.

پس می‌توان گفت که سحر مفهومی گسترده و سیال دارد که ممکن است در هر زمان مصادیق خاصی داشته باشد، یعنی برخی مصادیق آن به فراموش سپرده شود و برخی مصادیق جدید پیدا کند. این نکته با توجه به اقسام سحر که بیان می‌کنیم روشن‌تر خواهد شد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

اقسام سحر و اسباب آن

تقسیم‌های گوناگون سحر موجب شناخت بیشتر ماهیت این مقوله و وسایلی می‌شود که در آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا بهتر دیدیم برخی کلمات صاحب‌نظران را به صورت خلاصه ذکر کنیم:

ابن خلدون سحر را این‌گونه تقسیم کرده است:

۱. اگر فقط همت ساحر در عمل او مؤثر باشد (بدون کمک گرفتن از اسباب).
۲. اگر ساحر با کمک افلاک و عناصر و اعداد عمل کند، آن را طلسمات خوانند.
۳. اگر ساحر با کمک تخیلات عمل کند، به نام شعبده خوانده می‌شود.

۴. اگر شخص از غیب خیر دهد و از شیاطین کمک گیرد، عمل او را کهنات خوانند (ابن خلدون، همان: ۴۹۶-۴۹۷).

فخر رازی نیز سحر را به انواعی تقسیم می‌کند:

۱. سحر کلدانیان و بابلیان که از علم فلک استفاده می‌کردند.
۲. سحر اوهام و نفوس قوی.
۳. سحری که در آن از ارواح زمینی (جن) کمک گرفته می‌شود.
۴. سحر با تخیلات و تصرف در چشم افراد.
۵. سحر اعمال عجیب به وسیله ترکیب اسباب بر اساس نسبت‌های هندسی.
۶. سحر به وسیله خواص شیمیایی ادویه.
۷. سحر با تعلق قلب یعنی افراد ضعیف وقتی اعتقاد به گفته‌های ساحر پیدا کنند، ساحر می‌تواند کارهایی را که می‌خواهد انجام دهد.
۸. سحر به وسیله سخن‌چینی در بین مردم (فخر رازی، تفسیر القرآن الکریم: ۳/ ۲۲۲ - ۲۳۰).

دکتر ابراهیم کمال ادهم نیز سحر را بر اساس اسبابی که در آن استفاده می‌شود تقسیم کرده است:

۱. سحری که از مواد و خصائص آنها استفاده می‌کند.
 ۲. سحری که از علم فلک و حساب استفاده می‌کند.
 ۳. سحری که از مخلوقات غیر دیدنی استفاده می‌کند.
 ۴. سحری که از تخیلات استفاده می‌کند.
 ۵. سحری که بر قوای نفس تکیه می‌کند (کمال ادهم، همان: ۳۳).
- علامه طباطبایی رحمته الله علیه در مورد تقسیم امور خارق العاده سخن مبسوطی دارد که خلاصه آن چنین است:

الف) بسیاری از این امور، طبیعی و به وسیله تمرین حاصل می‌شود، مثل خوردن سم، بلند کردن اشیای سنگین و... . گاهی این امور طبیعی مخفی است، مثل کسانی که مایعی به بدن خود می‌مالند و داخل آتش می‌شوند و نمی‌سوزند.

ب) برخی از این امور خارق العاده مستند به امور طبیعی نیست، بلکه به خاطر قوت اراده صاحب آنها حاصل می‌شود. اراده تابع علم است و هنگامی که علم جازم و ایمان به تأثیر وجود داشته باشد، اثر آن ظاهر می‌شود، مثل کسانی که احضار ارواح می‌کنند. آنها روح را در مشاعر شخص حاضر می‌کنند، یعنی در خیال و حواس آنها حاضر می‌شود نه در خارج و گرنه همه آن را می‌دیدند.

ج) کار صاحب اراده قوی و افرادی که ریاضت می‌کشند، اگر از جن و روح خیر گیرند و کمک جویند، کهانت نامیده می‌شود. اگر این کار به وسیله ورد، نوشته و... باشد، سحر نامیده می‌شود.

سپس ایشان علوم غریب مخفی را این گونه بر می‌شمارد.

۱. سیمیا (سحر): علمی که قوای ارادی را با قوای مادی می‌آمیزد تا در امور طبیعی تصرف کند.

۲. لیمیا (تسخیرات): علمی که از کیفیت تأثیرات اراده به وسیله اتصال با ارواح قوی بحث می‌کند و از تسخیر ارواح و جنها سخن می‌گوید.

۳. هیمیا (طلسمات): علمی که از ترکیب قوای علوی و عناصر سفلی و تأثیرات عجیب آنها مثل مرگ و حیات افراد سخن می‌گوید.

۴. ریمیا (شعبده): علمی که از استخدام قوای مادی برای پیدایش آثار خارق العاده به نظر حس، سخن می‌گوید.

۵. کیمیا (شیمی): علمی که از کیفیت تبدیل صورت عناصر به همدیگر سخن می‌گوید.

۶. علم اعداد: علمی که از ارتباط اعداد و حروف برای رسیدن به مطلوب سخن می‌گوید (مثل رمل).

۷. خافیه: از شکستن حروف مطلوب و اسمها و استخراج اسم ملائکه و شیاطین و ... سخن می‌گوید.

۸. خواب مغناطیسی (هیپنوتیزم) و احضار ارواح: از تأثیر اراده و تصرف در خیال ناشی می‌شود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن ۱۳۹۳: ۱/ ۲۴۲ - ۲۴۵).

در روایات اسلامی نیز سحر را به چند گونه تقسیم کرده‌اند:

شخصی از امام صادق علیه السلام راجع به سحر پرسش کرد. و حضرت فرمود:

سحر اقسامی دارد، برخی اقسام آن به منزله طب است همان‌گونه که پزشکان برای هر دردی دوائی دارند، ساحران نیز برای هر سلامتی، ناراحتی و برای هر معنایی حیل‌های دارند و نوع دیگر سحر سرعت (تردسی) و خرق عادت و سبکی است... و نوع دیگر سحر چیزی است که مربوط به اولیای شیطان است.

پس نزدیک‌ترین نوع سحر در صواب (واقع) آن است که به منزله طب است که ساحر مردی را مبتلا می‌کند به اینکه از زنان دوری کند و پزشکی آن مرد را معالجه می‌کند به خلاف آن، پس خوب می‌شود (مجلسی، بحارالانوار: ۲۱ / ۶۳؛ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة: ۴ / ۴۱۰).

صاحب تفسیر نمونه نیز سحر را این‌گونه تقسیم کرده است:

۱. گاهی صرفاً جنبه نیرنگ و خدعه و چشم‌پندگی و تردستی دارد.

۲. گاهی از عوامل تلقینی در آن استفاده می‌شود.

۳. گاهی از خواص ناشناخته فیزیکی و شیمیایی بعضی اجسام و موارد است.

۴. گاهی از طریق کمک گرفتن از شیاطین است (مکارم شیرازی، همان: ۱۱۳ /

سحر از دیدگاه علوم جدید

صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: امروز یک سلسله علوم وجود دارد که در گذشته ساحران با استفاده از آنها برنامه‌های خود را عملی می‌ساختند:

اول: استفاده از خواص ناشناخته فیزیکی و شیمیایی اجسام که در داستان ساحران زمان موسی علیه السلام آمده است. آنها با استفاده از خواص فیزیکی و شیمیایی مانند جیوه و ترکیبات آن توانستند چیزهایی به شکل مار بسازند و به حرکت آورند. برای مثال در شیمی امروز اجسام بسیاری را می‌شناسیم که وزن آنها از هوا سبک‌تر است و اگر درون جسمی قرار داده شوند ممکن است آن جسم به حرکت در آید. امروز در سیرکها نمایشهایی می‌دهند که شبیه سحر ساحران گذشته است (همان).

دوم: استفاده از خواب مغناطیسی، هیپنوتیزم و مانیه‌تیزم و تله‌پاتی (انتقال افکار از فاصله دور). البته این علوم نیز از علوم مثبتی است که می‌تواند در بسیاری شئون زندگی مورد بهره‌برداری صحیح قرار گیرد، ولی ساحران از آن سوء استفاده می‌کردند و برای اغفال و فریب مردم آنها را به کار می‌گرفتند (همان: ۱/ ۲۸۱ - ۳۸۲).
دکتر ابراهیم کمال ادهم نیز با آوردن مثالها و عکسهای زیادی از کارهای خارق عادات و اقسام سحر می‌نویسد:

یکی از علوم فرعی روان‌شناسی (علم النفس) شاخه فراروان‌شناسی (الباراسیکولوجیا) و عبارت است از چیزهایی عجیب و غریب که در ابتدا تفسیر آنها محال به نظر می‌رسد یا بالاتر از فهم بشری است. این رشته علمی اسباب طبیعی را در حد امکان می‌شناسد و تحلیل می‌کند، مثل:

۱. الجلاء البصری (clair voyance) دوربینی.
۲. الجلاء السمعی (Clair Audience) دورشنوایی.
۳. حرکت دادن اشیا به وسیله تمرکز فکر (Psychokin eses).
۴. احضار کردن اشیاى مادى (Teleportation).

۵. الطب الروحي (Psychic Healing).

۶. بالا رفتن در هوا (Levitation).

۷. ارتباط فکری (Telepathy).

۸. قراءۃ الاثر (Psychometry).

۹. خواب مغناطیسی.

البته این موارد علوم مشکلی است که اکنون در جهان مراکز تخصصی برای تحقیق و تدریس آنها افتتاح شده است. در آمریکا ۲۵ مرکز، در هند ۱۰ مرکز، در هلند ۵ مرکز و حتی در واتیکان مرکزی برای بررسی این امور راه اندازی شده است (کمال ادهم، همان: ۴۰۹ - ۴۱۰).



تفاوت سحر و معجزه

چند تفاوت سحر و معجزه قابل ذکر است:

۱. معجزه قابل تعلیم و تعلم نیست، ولی سحر قابل تعلیم و تعلم است.
۲. معجزه مغلوب واقع نمی شود و متکی به قدرت نامحدود است، اما سحر امری محدود و باطل است و مغلوب واقع می شود.
۳. معجزه همراه با تحدی (مبارزه طلبی) به آوردن مثل است، به خلاف سحر.
۴. معجزه می تواند ماهیت چیزی را عوض کند، به خلاف سحر.
۵. سحر ممکن است به دیگران ضرر بزند، به خلاف معجزه.
۶. معجزه قابل تکرار نیست (باذن الله است نه به اختیار انسان)، به خلاف سحر.
۷. معجزه هدفی عالی و تربیتی (اصلاح جامعه و عقاید مردم) دارد، به خلاف سحر.
۸. پدید آورندگان معجزه افرادی صالح و حق طلب هستند، به خلاف ساحران (اصفهان، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن ۱۳۸۶: ۱/ مقدمه).

تفاوت سحر و کرامات

اعمال خارق عادت‌ی است که همراه با تحدی (مبارزه‌طلبی) و ادعای مقام الهی (مثل نبوت) نیست، بلکه اعمالی است که خدا به دست برخی افراد صالح و متقی جاری می‌کند. این مورد وسیله تأیید اولیای الهی و دلیلی بر امکان معجزه است.

از آن جمله است قصه اصحاب کهف (کهف: ۹- ۱۲) و رزق حضرت مریم (آل عمران: ۳۷) و آصف برخیا (نمل: ۴۰) که تخت بلقیس ملکه سبأ را در یک چشم برهم‌زدن از یمن به نزد سلیمان آورد. همچنین است کراماتی که از ائمه علیهم‌السلام هر روز در مشهد، نجف و کربلا و... دیده می‌شود.

تفاوت این امور با سحر این است:

۱. کرامت از ایمان و پیروی از شریعت منشأ می‌گیرد، اما سحر از کفر و فسق نشأت می‌گیرد.
۲. صاحب کرامت متوجه خداست و نیت پاک و الهی دارد، اما ساحر متوجه جن و شیطان است.
۳. کرامت موجب اذیت دیگران نمی‌شود، بلکه در جهت خدمت و محبت به مردم است، اما سحر موجب ضرر به مردم و بر اساس خبیث طینت است.
۴. ولی خدا که کرامت دارد، آن را منسوب به خود نمی‌داند و وسیله کسب قدرت قرار نمی‌دهد، بلکه عنایتی الهی می‌داند، به خلاف ساحر.
۵. کرامت امری حقیقی است که گاهی واقعیت خارجی را تغییر می‌دهد (مثلاً بیمار سرطانی را کاملاً سالم می‌کند)، اما سحر نوعی خدعه و نیرنگ و ... است.
۶. کرامت اولیای الهی بر سحر غلبه می‌یابد، چون مستند به قدرت بی‌نهایت الهی است.
۷. صاحب کرامت بعد از کرامت شکر خدا می‌کند. و آن را مخفی می‌دارد. تا مردم گول نخورند، اما ساحر این گونه نیست.

۸ اولیای الهی افرادی پاک، صالح و نظیف و با طهارت (وضو ...) و متعبد به شریعت و کتاب آسمانی هستند، اما ساحران ناپاک مادی و معنوی هستند (کمال ادهم، همان: ۳۹۱ و ۴۰۴ - ۴۰۶).

سحر از منظر قرآن کریم

قرآن کریم حدود شصت بار کلمه سحر و مشتقات آن را به کار برده است این آیات به سه دسته قابل تقسیم است:

الف) آیاتی که می‌فرماید مخالفان تهمت سحر به انبیای الهی می‌زدند و آنان را ساحر می‌خواندند. هنگامی که آیات الهی را می‌دیدند نیز می‌گفتند اینها سحر است. بسیاری از آیات فوق در این مورد است.

مثل: یونس: ۷۶؛ هود: ۷؛ طه: ۷۱؛ شعرا: ۴۹؛ نمل: ۱۳؛ قصص: ۳۶؛ سبأ: ۴۳؛ صافات: ۱۵؛ زخرف: ۳۰؛ قمر: ۲؛ صف: ۶؛ مدثر: ۲۴.

ب) آیاتی که دربارهٔ مقابله حضرت موسی علیه السلام با ساحران زمان خویش است. قرآن کریم این داستان را به صورت مبسوط بیان کرده است. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام با دو معجزه خویش، یعنی ید بیضاء و عصا، به طرف فرعون رفت گفتند: «او ساحر آگاهی است. که می‌خواهد شما را از سرزمین خویش بیرون کند و سران قوم به فرعون توصیه کردند که ساحران را از شهرها فرا خواند.»

سپس فرعون به ساحران وعده دارد که در صورت پیروزی بر موسی به آنان پاداش دهد. سرانجام، ساحران با موسی علیه السلام روبه‌رو شدند و گفتند: ای موسی، آیا تو می‌افکنی یا ما (وسایل سحر را) بیفکنیم؟ گفت: شما بیفکنید. و چون افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند. سپس از طرف خدا به حضرت موسی علیه السلام وحی شد که عصایت را بینداز.

و (هنگامی که موسی علیه السلام عصای خود را انداخت) ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید. پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می‌کردند باطل شد. و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند.

ساحران به سجده در افتادند (و) گفتند: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم پروردگار موسی و هارون ساحران قبلی که مؤمنان جدید بودند، حتی در مقابل تهدیدهای فرعون مقاومت کردند (برگرفته از اعراف: ۱۰۸ - ۱۲۳؛ طه: ۵۷ - ۷۳؛ شعراء: ۳۶ - ۴۶؛ یونس: ۷۵ به بعد؛ قصص: ۳۶ به بعد).

در این آیات گاهی تعبیر این بود که: دیدگان مردم را افسون کردند. «سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ». گاهی نیز تعبیر شده که «رِسْمَانَهَا و چوب دستیهایشان بر اثر سحرشان در خیال او (چنین) می‌نمود که آنها به شتاب می‌خیزند». «فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ يُحِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُا تَسْعَى» از این تعبیرات بر می‌آید که ساحران به وسیلهٔ تصرف در چشم و خیال مردم کارهای سحرآمیز می‌کردند.

برخی از مفسران احتمال داده‌اند که ساحران درون رِسْمَانَهَا و عصای خویش مقداری مواد شیمیایی مخصوص (احتمالاً جیوه و مانند آن) قرار داده بودند که پس از تابش آفتاب و یا بر اثر وسایل حرارتی که در زیر آن تعبیه کرده بودند، به حرکت در آمدند و تماشاکنندگان خیال می‌کردند آنها زنده شده‌اند (مکارم شیرازی، همان: ۱/ ۳۷۹).

ج) آیاتی که در مورد سحر دو ملک (هاروت و ماروت) در شهر بابل سخن می‌گوید: در سوره بقره می‌فرماید:

و آنچه را که شیطانها در سلطنت سلیمان خوانده (و درس گرفته) بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید، لیکن آن شیطانها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و (نیز از) آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود (پیروی کردند)، با اینکه آن دو

(فرشته) هیچ کس را تعلیم (سحر) نمی‌کردند مگر آنکه (قبلاً به او) می‌گفتند: ما (وسیله) آزمایش (برای شما) هستیم، پس زنهار کافر نشوی. ولی آنها از آن دو (فرشته) چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و (خلاصه) چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید. و قطعاً (یهودیان) دریافته بودند که هر کس خریدار این (متاع) باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد. و چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند (بقره: ۱۰۲).

در مورد شأن نزول آیه فوق مفسران گفته‌اند:

در سرزمین بابل، سحر و جادوگری به اوج خود رسید و باعث ناراحتی و ایدای مردم گردیده بود. خداوند دو فرشته را به صورت انسان مأمور ساخت که عوامل سحر و طریق ابطال آن را به مردم بیاموزند، تا بتوانند خود را از شر ساحران برکنار دارند.

ولی این تعلیمات بالاخره قابل سوء استفاده بود، چرا که فرشتگان ناچار بودند برای ابطال سحر ساحران طرز آن را نیز تشریح کنند، تا مردم بتوانند از این راه به پیشگیری پردازند. این موضوع سبب شد که گروهی پس از آگاهی از طرز سحر، خود در ردیف ساحران قرار گرفتند و موجب مزاحمت تازه‌ای برای مردم شدند.

با اینکه آن دو فرشته به مردم هشدار دادند که این نوعی آزمایش الهی برای شماست و حتی گفتند: سوء استفاده از این تعلیمات نوعی کفر است، اما آنها به کارهایی پرداختند که موجب ضرر و زیان مردم شد (نک: مجمع البیان: ذیل آیه ۱۰۲ بقره؛ حر عاملی، وسائل الشیعة: ۱۰۶/۱۲ - ۱۰۷؛ مکارم شیرازی، همان: ۱/۳۷۴).^(۱)

در این آیه از تعبیراتی همچون «جدایی زن و مرد در اثر سحر» «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» و زیان داشتن سحر: «وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ»

استفاده شده است که این تعبیرات اثراتی را برای سحر مشخص می‌سازد. برخی از مفسران نیز تصریح کرده‌اند که از آیه فوق استفاده می‌شود که بعضی از انواع سحر به راستی اثر می‌گذارد (مکارم شیرازی، همان: ۱/۳۷۸).

د) آیه ۴ سوره فلق که می‌فرماید: «وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ؛ و (بگو پناه می‌برم به پروردگار) از شر دمنندگان افسون و گرهما». در تفسیر این آیه چند احتمال داده شده است:

۱. مقصود زنان ساحری باشند که در گرهما می‌دمند و سحر می‌کنند.
 ۲. مقصود زنان وسوسه‌گر است که در اراده‌های مردان اثر گذارند و آنان از رسیدن به اهداف مثبت باز می‌دارند (طبرسی، مجمع البیان: ۱۰/۵۶۱ - ۵۶۹).
 ۳. مقصود از «نفثات» همان نفوس شریر یا جماعت‌های وسوسه‌گر باشد که با تبلیغات مستمر خود گرهای تصمیم‌ها را سست می‌سازند (مکارم شیرازی، همان: ۲۷/۴۶۱). صاحب تفسیر نمونه پس از آنکه بعید نمی‌داند آیه شامل هر سه تفسیر باشد می‌نویسد:
- «البته باید توجه داشت که قطع نظر از شأن نزول سابق، نشانه‌ای در آیه نیست که منظور از آن خصوص سحر ساحران باشد.» سپس شأن نزول را نیز نمی‌پذیرد (همان).

حقیقت سحر چیست؟

در اینجا می‌توان چند دیدگاه را مطرح کرد:

الف) از برخی سخنان برمی‌آید که سحر امری خیالی است که تحقق واقعی ندارد. بنابراین تفسیر، سحر امری خرافی است. این دیدگاه شیخ طوسی رحمته الله علیه و ابو جعفر استرآبادی و برخی دیگر است (شیخ طوسی، الخلاف: ۲: ۴۲۳ - ۴۲۴؛ مجلسی، همان: ۲۸/۶۳).

و این مطلبی است که از برخی آیات قرآن نیز به دست می‌آید. برای مثال قرآن در مورد جدال ساحران با موسی علیه السلام می‌فرماید:

قَالَ اَلْقُوا فَلَمَّا اَلْقَوْا سَحَرُوا اَعْيُنَ النَّاسِ وَاَسْتَرْهَبُوهُمْ (اعراف: ۱۱۶)؛

(موسی) گفت شما بیفکنید و چون افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند. و آنان را به ترس انداختند. قَالَ بَلْ اَلْقَوْا فَاِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ اِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنَّهُا تَسْعَى (طه: ۶۶)؛ (موسی) گفت بلکه شما بیندازید. پس ناگهان ریسمانها و چوبدستیهایشان، بر اثر سحرشان، در خیال او چنین می‌نمود که آنها به شتاب می‌خزند.

ب) از برخی سخنان بر می‌آید که سحر امری واقعی است که اثراتی در خارج به جای می‌گذارد و حتی ممکن است موجب مرگ یا بیماری شود و گاهی بین زن و شوهر جدایی می‌اندازد.

این مطلبی است که از ظاهر برخی آیات قرآن بر می‌آید. یعنی سحر دارای اثرات خاص و واقعی در زندگی انسان است:

مَا يُفْرَقُونَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَرَوْجِهِ وَاِيَّاكَ يَكْفُرُونَ (مجادل: ۱۸)؛
کند. و به اذن الهی موجب ضرر دیگران می‌شود. وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ (بقره / ۱۰۳).

این دیدگاهی است که برخی بزرگان به محقق اردبیلی و شافعی و اصحاب ابوحنیفه و ... نسبت داده‌اند (مجلسی، همان: ۲۸ / ۶۳ و ۳۰ و ۳۲).

ج) دیدگاه سوم این است که سحر آثار روانی مثل ایجاد محبت یا دشمنی، نارضایتی یا خوشحالی دارد. اما آثار واقعی خارجی مثل زنده کردن مرگان یا تغییر ماهیت و حقیقت چیزی ندارد (مجلسی، همان: ۳۹ / ۶۳).

اگر در آیه ۱۰۲ سوره بقره سحر را به دو ملک (هارون و مارون) نسبت می‌دهد، به دلیل آن است که در جامعه کلدانیان حس بدبینی پیدا شده بود، به

طوری که مردم در اثر حسادت به وسیله وسوسه و بدگویی بین زن و شوهران نیز بدبینی ایجاد می‌کردند. آن دو ملک مأمور شدند تا راه مقابله با این حالت بد اجتماعی را به مردم بیاموزند. هنگامی که می‌خواستند راه مقابله با امور لطیف و مخفی (سحر) را به مردم بیاموزند، ناچار بودند اصل سحر و امور لطیف و نقشه‌هایی که برای ایجاد تفرقه به کار می‌رود روشن کنند. افراد بد طینت به جای یادگیری راه مقابله با سحر از خود سحر استفاده می‌کردند، یعنی از جنبه منفی تعلیمات ملائکه استفاده می‌کردند:

فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ؛ آنچه برای آنها ضرر داشت انتخاب کردند؛ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ.

البته اموری مثل بدگویی، سخن‌چینی و وسوسه تأثیرات روانی در افراد دارد و ضررهایی به آنها می‌زند، مثلاً بین زن و شوهر را به هم می‌زند. در آیه «وَمَنْ شَرَّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ» (فلق: ۴) نیز به زانی اشاره می‌کند که به وسیله سخن‌چینی و سخنان دروغ در گره‌ها (روابط دوستانه افراد) می‌دمند و این پیوندها را می‌گسلند که این نوعی تشبیه است (مجلسی، همان: ۶۳ / ۳۹). پس اگر مقصود از آیه زنان ساحر باشد، سحر آنها از این نوع بوده است. برخی هم گفته‌اند که مقصود زانی هستند که اراده مردان را با وسوسه‌های خود سست می‌کنند (نک: طبرسی، مجمع البیان: ۱۰ / ۵۶۱؛ مجلسی، همان: ۶۳ / ۱۴).

نتیجه‌گیری

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی سحر و اقسام آن، دیدگاه سوم صحیح به نظر می‌رسد و با ظاهر آیات تناسب بیشتری دارد. هر چند دیدگاه اول و سوم قابل جمع است.

پس نتیجه می‌گیریم که سحر در برخی اقسام آن فقط خیالی است که اعجاب بیننده را بر می‌انگیزد، مثل شعبده‌بازی. در برخی اقسام آن اثراتی روانی دارد، مثل ایجاد محبت و دشمنی به وسیلهٔ امور مخفی از قبیل سخن‌چینی و وسوسه. ولی سحر اثراتی خارجی و واقعی مثل تغییر ماهیت و حقیقت اشیاء ندارد.

راههای دفع سحر ساحران

برخی از صاحب‌نظران گفته‌اند که راه دفع سحر ساحران عبارت است از:

۱. پناه بردن به خدا (استعاذه) که بهترین شکل آن در سورهٔ ناس و فلق بیان شده است.

۲. تقوای الهی داشتن که موجب حفظ انسان می‌شود.

۳. توکل بر خداوند.

۴. توبه از گناهان.

۵. صدقه دادن.

۶. توجه به توحید خالص و اینکه همهٔ کارها به دست خداست و تا خدا

نخواهد کسی نمی‌تواند به کسی دیگر ضرر بزند.

۷. قرائت قرآن، به ویژه آیهٔ الکرسی و سورهٔ فلق و ناس پس از نمازهای

واجب، بسیار سفارش شده است.

۸. خواندن دعاهایی که در مورد سحر رسیده است (هاشمی، السحر فی القرآن

الکریم ۱۴۱۱: ۸۱-۸۳؛ الاشقر، همان: ۱۹۹-۲۰۱).

تذکر: به نظر می‌رسد که بسیاری از انواع سحر، مثل شعبده و... دارای علل و

رموز مخفی و طبیعی است که شناخت حیلها و نیرنگها و خواص شیمیایی و

فیزیکی مواد می‌تواند در دفع این گونه سحرها مؤثر باشد. همان گونه که در برخی

روایات آمده است که انسان ممکن است در اثر سحر بیمار شود و پزشک او را معالجه کند (محمدی ری‌شهری، همان: ۴/ ۴۱۰؛ مجلسی، همان: ۶۳/ ۲۱).

احکام شرعی سحر

سحر از چند جهت قابل بحث است:

الف) تعلیم و تعلم سحر: فقهای اسلام بر آنند که یادگرفتن سحر حرام است و در روایاتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «کسی که سحر بیاموزد، کم یا زیاد، کافر شده است و رابطه او با خداوند به کلی قطع می‌شود» (حر عاملی، همان: وسایل الشیعه: باب ۲۵ از ابواب ما یکتسب به/ ح ۷).

البته: یاد گرفتن سحر به منظور ابطال سحر ساحران اشکالی ندارد. بلکه اگر برای ابطال سحر مدعی نبوت باشد. عنوان واجب کفایی پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، همان: ۲/ ۳۷۹؛ امام خمینی، تحریر الوسیله: ۲/ ۴۷۷؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه ۱۴۰۶: کتاب الحدود/ ۳۲۸).

ب) انجام اعمال سحر و جادوگری حرام است (همان).
ج) اگر در دادگاه ثابت شود که فرد مسلمانی عمل سحر انجام می‌دهد و ساحر است، از نظر شرعی حکم او اعدام است (همان).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سحر مفهومی وسیع و سیال است، یعنی امور خارق العاده و عجیب که اثراتی در خیال به جای می‌گذارد. سحر اقسام متعددی دارد و از اسباب مختلفی (اعم از خواص شیمیایی و طبی تا کمک گرفتن از جن و شیطان) در راه تحقق آن استفاده می‌شود و در هر زمانی می‌تواند مصداق جدیدی پیدا کند. ولی سحر بر خلاف معجزه امری مغلوب و باطل است.

قرآن کریم اگر چه واقعی بودن سحر را نپذیرفته، اما حداقل اثرات روانی سحر را پذیرفته است و ساحران را نکوهش کرده و حتی تعلیم و تعلم سحر را ممنوع ساخته است. چرا که سحر امری نیرنگ‌آلود است و معمولاً در مقابل انبیا و برای گمراه کردن و ضرر زدن به مردم از آن استفاده شده است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پی‌نوشت

.....

(۱). البته در این مورد افسانه‌هایی نیز توسط مورخان و ... گفته شده است ولی آنچه که در بالا آمد به نظر صحیح‌تر است و با روایات اهل بیت علیهم‌السلام سازگارتر است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابنامه

۱. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲. الأشقر، عمر سلیمان، عالم السحر والشعوذة، کویت، مکتبه الفلاح و دار الفانس، ۱۴۱۰ق.
۳. اصفهانی، محمدرضا، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم، انتشارات پژوهشهای تفسیر علوم قرآن، ۱۳۸۶.
۴. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسيلة، قم، دارالعلم، بی تا.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ق.
۶. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۶ق.
۷. کمال ادهم، ابراهیم، السحر والسحرة من منظار القرآن والسنة، بیروت، دارالندوة الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۹. هاشمی، عبدالمنعم، السحر فی القرآن الکریم، بیروت، دار ابن خرم، ۱۴۱۱ق.